هرمزگان شناسی

● **منطقه حفاظت شده گنو:**
این منطقه نام خود را از کوه گنو گرفته است که در داخل منطقه واقع شده است و بعد از کوه فارغان دومین کوه بلند شهرستان بندرعباس است . منطقه حفاظت شده گنو در شمال غربی و در فاصله ۳۰ کیلومتری شهر بندرعباس قرار گرفته و جاده اصلی بندرعباس به سیرجان طول ۳۵ کیلومتر انجام می گیرد. مسیر دسترسی به قله کوه گنو از راه مالرو کوهستانی درّک به بندر آگاه می باشد که البته یالهای غربی دارای شیب ملایمتری هستند و امکان دسترسی پیاده به قله کوه را فراهم می سازند. این منطقه از نظر منابع کمبودی ندارد.

به ویژه چشمه های موجود در منطقه اغلب در تمام فصول قادرند آب مورد نیاز حیات وحش را تامین کنند. یکی از مهمترین منابع آبی این منطقه چشمه های آب گرم گنو می باشد که از نظر خواص دارویی کانونهای شناخته شده ای هستند و از دیرباز مورد استفاده اهالی و مسافرین قرار گرفته اند .

تنوع پوشش گیاهی: این منطقه از دامنه تا قله کوه مشتمل بر انواع درختان گرمسیری ، استپ کوهپایه های و گونه های گیاهی نواحی سردسیری است . اغلب دره های آن پوشیده از درختان و درخچه ها است . دشتها با ارتفاعات میانی آن عرصه گونه هایی چون آکاسیا، کنار، کهور و استبرق است و از ارتفاعات میانی تا قله کوهها جایگاه

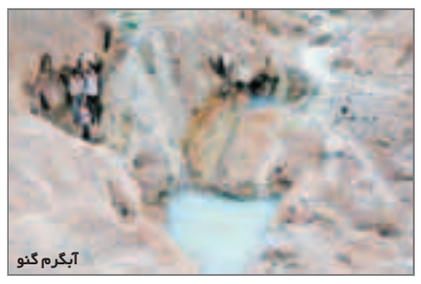
آبگرم گنو

درختانی چون بنه و بادام می باشد. این منطقه دارای تنوع قابل توجهی از حیات وحش دشتزی و کوهزی است . جبیر، قوچ ، میش ، بز، پازن ، گرگ و کفتار از پستانداران مهم آن به شمار می روند و کرکس ، دال سیاه ، هما ، قرقی ، تیهو، کبک و جیرفتی از پرندگان قابل ذکر منطقه هستند .

● **چشمه های آب گرم**
چشمه های آب گرم خورگو: از چشمه ها که تعداد آنها سه چشمه است . از طریق فرعی منشعب از جاده بندرعباس - سیرجان - قابل دسترسی اند. از دوراهی جاده بندرعباس - سیرجان تا مظهر چشمه اول در حدود ۲۸ کیلومتر فاصله است . آب چشمه اول از شکاف سنگ های آهکی مارانی خارج و وارد رودخانه خورگو می شود. آب این چشمه در ردیف آبهای سولفات کلسیم همراه با منیزیم و کلرور سدیم ولرم است .تعداد چشمه های آب گرم این منطقه سه چشمه است که خصوصیات واحدی دارند.

چشمه دوم خورگو در یک کیلومتری شرق چشمه اول از شکاف سنگهای آهکی مارنی به صورت جوشان از زمین می جوشد. در نزدیکی مظهر چشمه ، حوضچه ای به شکل دایره ، و به قطر ۳ متر بنا شده است . از اب این چشمه برای استحمام استفاده می شود و در ردیف آبهای گوگردی با کاتیون ها و آنیونهای مختلف کروم است . دسترسی به چشمه سوم نیز از طریق جاده فرعی منشعب از جاده بندرعباس - سیرجان امکان پذیر است .از بندرعباس تا دوراهی خورگو ۳۰ کیلومتر و از دوراهی تا مظهر چشمه در حدود ۲۰ کیلومتر فاصله است . در کنار مظهر چشمه حوضچه ای جهت استحمام وجود دارد و اب چشمه در ردیف آب های گوگردی با کاتیون ها و انیون های مختلف کروم است .

چشمه آبگرم سرخان : این چشمه در مسیر جاده فرعی خورگو- سرخان منشعب از جاده بندرعباس - سیرجان قرار دارد. فاصله چشمه تا روستای سرخان در حدود یک کیلومتر است . عامل تشکیل چشمه تکنونیک صفحه ای است و آب آن از شکاف سنگ های شیلی از زمین خارج می شود. آب این چشمه در ردیف آبهای گوگردی با کاتیون و آنیون های مختلف گرم است .

● **جزیره شیدور یا جزیره ماران**
آیا تاکنون حیات وحش جزیره شیدور سفر کرده اید؟ این جزیره در فاصله ۱/۵ کیلومتری جنوب شرقی جزیره لاوان واقع شده و مساحت آن ۱/٤ کیلومتر مربع میباشد. پوشش گیاهی این منطقه از گیاهان شور و سند و مقاوم در مقابل کم آبی است که بطور پراکنده رشد کرده اند. این جزیره ، جزیره ای است غیر مسکونی که هیچگونه فعالیتی در آن دیده نمی شود. پرندگان موجود در آن شامل چهارگونه پرستوی دریایی است که در جزیره تولید مثل می کنند.در

جزیره شیدور

این جزیره تعداد زیادی مار سمی سیاهرنگ و کوچک که معمولا زیر شن مخفی می شوند مشاهده شده است به همین جهت به جزیره ماران نیز معروف است .

همچنین لاک پشتهای دریایی در سواحل آن تخم گذاری می کنند. صیادان و بومیان جزایر اطراف در هنگام طوفانی بودن دریا و همچنین برای جمع آوری لاک پشتها و تخم پرندگان دریایی به این جزیره مسافرت می کنند. شیدور با این که مساحت بسیار کمی دارد از مهمترین و با ارزشترین زیستگاه های پرندگان و لاک پشتهای دریایی در خلیج فارس و دریای عمان است . بازدید از این جزیره همراه با راهنمایان آشنای محیط زیست و مجوزهای لازم امکان پذیر است .

این منطقه یکی از جزایر ایرانی خلیج فارس می باشد که از سال ۱۳٦٦ تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست قرار گرفته است . این جزیره در تقسیمات کشوری جزء استان هرمزگان و از توابع شهرستان ابوموسی می باشد و در فاصله ۲٦۲ کیلومتری (از طریق دریا) شهر بندرعباس قراردارد. از نظر حیات وحش این جزیره در مسیر مهاجرت پرندگان قرار داشته و سواحل آن زیستگاه مناسبی برای پرندگانی چون پرستوی دریایی و عقاب ماهیگیر می باشد.

دیده ها و شنیده ها

جناب آقای امان الله اردلان حاج عزالممالک نایب رئیس فعلی مجلس سنا که در آن تاریخ نماینده کرمانشاهان و عضو فراکسیون دموکرات بود در یادداشتهای مفصل خود در موضوع مهاجرت چنین مرقوم داشته اند : (روز هفتم محرم الحرام یکهزار و سیصد و سی و چهار قمری هجری (فصل پائیز) عقرب ۱۲۹٤ شمسی هجری از دفتر مجلس شورای ملی اطلاع دادند جلسه فوق العاده مجلس تشکیل می شود. من در آن موقع وکیل کرمانشاهان بودم به مجلس رفتم . عده ای از آقایان نمایندگان دراطاق تنفس نشسته بودند . من هم مثل سایرین روی صندی لم داده به فکر جنگ بین المللی ووضع پرآشوب دنیا و ایران فرو رفته بودم.

جنگ بین المللی چندی است شروع شده ، از یک طرف روس و انگلیس و بعداً هم امریکا متفقان، با آلمان و اطریش مشغول جنگ هستند دولت ایران (کابینه مستوفی الممالک) پس از ورود دولت عثمانی به جنگ بواسطه همجواری با روسیه و عثمانی ، برای اینکه خاک کشور ما از تعرض همسایگان محفوظ و مصون بماند ، اعلان بی طرفی نموده است . شاه و مجلس شورای ملی با نظریه دولت مبنی بر بی طرفی ایران موافقت نموده اند ولی دولت تزاری روسیه با کمک دولت انگلیس اصرار دارد که ایران متمایل به آنها شده اجازه بدهند قشون روس و انگلیس از خاک ایران عبور و از این راه به دولت عثمانی حمله کنند .

چون قبول این پیشنهاد بر خلاف اصول بی طرفی است و دولت ایران با نظریه دولتین روس و انگلیس نمی توانست موافقت کند ، برای در هم شکستن بی طرفی ایران ، قشون روس به طرف تهران پایتخت ما حرکت کرده و همگی از این وضعیت مضطرب هستیم . در تهران هم تحریکاتی می شود .اصولا مرتجعین با روسها موافق آزادی خواهان متمایل به فتح آلمان هستند .

در این ضمن به طور غیر مستقیم به ما اطلاع می رسد ،که شاه و دولت درصدد تغییر پایتخت هستند . و مصمم شده اند از تهران حرکت نمایند، ولی رسما هنوز خبری به مجلس شورای ملی نرسیده بود .

دراین موقع ، که جلسه فوق العاده به طور خصوصی تشکیل گردید . پیغام اعلیحضرت سلطان احمد شاه قاجار به مجلس شورای ملی داده است که شاه و دولت تهران را ترک می کنند و بواسطه ی حرکت قشون روس از قزوین به طرف تهران ، پایتخت را موقتاً در اصفهان قرار می دهند . نمایندگان هم به طرف اصفهان عزیمت نمایند . این پیغام شاه همگی

میرزا ابولقاسم خان کحال زاده
قسمت پنجاه و چهارم

■ **خاطرات میرزا ابولقاسم خان کحال زاده (منشی سفارت امپراتوری آلمان در ایران) در این کتاب مشکلات ایران در جنگ بین المللی ۱۹۱۸-۱۹۱۴ و غارت و چپاول بیگانگان بر سرزمین پهناور ایران بررسی شده است تا نسل جوان و پوینده ما از جفاهایی که بر ایران وارد شده آگاه شوند و بدانند در طول تاریخ چه وقایعی رخ داده است.**

● **با تشکر از فریدون دبیری**

را متوجه اهمیت موضوع نموده ، احساسات وطن پرستانه نمایندگان هم طوری بود که نسبت به تجاوز اجنبی طاقت شنیدن آن را هم نداشته و چون در اذهان ، چنین پیش آمد وخیمی هم متصور بود ، دیگر فرصت و مهلتی را برای مذاکره و مباحثه باقی نگذاشت و بدون درنگ هریک از نمایندگان به فکر تهیه وسیله مسافرت خود مجلس را ترک نمودند .

شهر تهران در حال اضطراب بود و وضعیت مخوفی را دشت . قوای مسلح مرکز عبارت بود از یک عده ژاندارم ، که به مسئولیت قوای مسلح مرکز عبارت بودکه به مسئولیت صاحب منصبان سوئدی اداره می گردید و نیز بریگاد قزاق ، که صاحب منصبان روسی آن را اداره می نمودند . یک عده مختصری هم سرباز و پلیس بود که دارای اسلحه خوبی نبوده ، انضباط کاملی هم نداشتند .

خبر حرکت قوای تزاری روسیه به طرف پایتخت و نبودن وسائل دفاعیه ، تمام آزادی خواهان را مضطرب نموده بود و توقف در تهران را ، مخصوصا بعد از حرکت شاه و دولت و تغییر پایتخت برای خود خطرناک می دانستند و به همین جهت ، هرکس سعی می نمود قبل از اینکه شاه از دروازه تهران خارج شود خود را از خطر نجات داده از تهران خارج شود . رویه سیاسی قوای موجوده مرکز هم معلوم بود . ژاندارم ها تمایل به آلمانها داشتند و قزاقها خواه ناخواه مطیع افسران روسی بودند و بقیه هم به حالت بی طرفی منتظر اوامر دولت .

ریاست دولت با آقای مستوفی الممالک متمایل به آزادی خواهان بود و می توان گفت تحت تاثیر نظریه دولت و ضمنا وحشت از حرکت قوای روسیه به طرف تهران بود که شاه به تغییر پایتخت مصمم گردید .

من فورا به دربار رفتم ،تا از نزدیک هم اطلاعاتی بدست بیاورم کالسکه شاه را درب اندرون دیدم به چهار اسب بسته شده و آماده حرکت است.سردار معظم خراسانی (تیمور تاش) نماینده اعتدالی قوچان را هم مشاهده کردم سوار اسب ترکمانی پشت کالسکه منتظر رفتن است به داخل گلستان رفتم . شاه درعمارت برلیان و هیات دولت در قصر ابیض بودند . با تحقیق از چندتن اطلاع حاصل کردم که شاه در شرف حرکت است وکلنل ادوال سوئدی رئیس ژاندارمری در حیاط گلستان ایستاد و منتظر حرکت شاه بود و به شاه گزارش می داد که روسها قریباً وارد تهران می شوند و بعد از ورود قشون روس حرکت شاه مقدور نخواهد بود و هر چه زودتر باید از تهران برویم .

دولت مستوفی الممالک ، ساعدالدوله سردار را (برادر سپهدار محمد ولی خان تنکابنی که بعد از چند ماه لقب سپهسالاری گرفت) به حکومت تهران منصوب کرد و قصر و خزانه مملو از جواهرات را هم به او سپرده عازم حرکت گردید.

چون بر من یقین حاصل شد که حرکت شاه و دولت قطعی است درصدد تهیه وسایل حرکت برآمدم و به منزل پدر بزرگ مادری خود شاهزاده عبدالصمد میرزا عزالدوله عموی شاه رفتم . حاجی افخم الدوله فریدون میرزا دائی خود را دیدم که در صدد حرکت است . از آنجا وسیله برای مسافرتم بدست نیامد و به منزل پدر خانم خود حاج مجدالدوله مهدیقلی خان قاجار رفتم. یک اسب سواری با زین و برگ به من داد و از آنجا به منزل آمده به عمیدالملک ، شوهر خواهر خود تلفن کردم . درشکه اش را با دو اسب و کالسکه چی در اختیار من گذاشت . بنابراین در ظرف چند ساعت وسائل مسافرت فراهم گردید .رضا قلی خان و ناصر قلی خان اخوان من هم که تازه از فرنگستان آمده بودند به آمدن مایل شدند .من با دو برادر و خبیر همایون پسر خاله و همسایه خود مصمم حرکت شدیم .پدرم حکومت استرآباد (گرگان) را داشت و تهران نبود . با خانم خود خداحافظی کردم. بچه های کوچک خود دو پسر و دو دختر را (نصرت الله - سلطان محمد -...الملوک ...الملوک)به مادر و همه را به امان خدا سپردم. خانم من قوت قلب خوبی نشان داد . بدون اشکالی از منزل بیرون آمدم .

مادرم به روضه رفته بود . پیغام فرستادم از روضه به منزل آمد و همینکه ما را درب حیاط در حال حرکت دید ، بی اختیار غش کرده به زمین افتاد و خاله ام که همسایه بود مواظبت مادرم را بر عهده گرفت . با وجودیکه از مفارقت مادر و اولاد و زن خیلی متاثر بودم ، برای اینکه زیر بار زور و ظالم خارجی نروم به تاثیر خود اهمیت ندادم و به راه افتادم.

مردان تاریخ

محمد صادق ادیب الممالک
عالم و ادیب

■ ادیب الممالک نامش محمد صادق پدرش حاجی میرزا تولد او را سال۱۲۷٦هجری قمری نوشته اند. ادیب الممالک بر همه دانشمندان عصر خود در شعر و ادب پیشی داشته است .درعلم ادب (لغت) استاد بود وحافظه قوی داشت .

درعلوم حکمت و ریاضی و نجوم و کشف شناسی مطالعات زیاد نموده بود . از جمله تالیفات وی:(صیقل المرات) در جغرافیا (سماءالدنیا) در هیئت جدید ، (تابش مهر ، فلک المشحون ،تحفه الوالی)در عروض ، رشحات الافلاک و دیوان فارسی است . او در سال ۱۳۰۹ به اتفاق امیر نظام ، حاکم کرمانشان ،مقیم آنجا بود . ادیب الممالک در سال ۱۳۱٤ با امیر نظام به تبریز رفت و در آنجا روزنامه ادب را با خط نستعلیق انتشار داد و در جریان مسافرت دستش شکست .چنانچه درباره او گفته اند :

ای بحر علوم وای دربی همتا
دست تو ببست دست عالم به قفا
دست تو اگر شکست از آسیب قدر
امید که دل نشکنند کید قضا

و ملک الکلام کردستانی در این باره گفته :

چون یافت سپهر دون برآزار تودست
همدست ترا شکست و هم روی تو خست
بر بست درعیش بر وی من از آنک
نه دست ترا ، دل مرا بشکست

بعد ازبهبودی ، مدتی در آنجا ماند و سپس به مشهد رفت و روزنامه ادب را در آنجا انتشار داد در سال ۱۳۲۱ به تهران آمد و در سال ۱۳۲۳ در باد کوبه روزنامه ارشاد ترکی را منتشر ساخت .

در سال ۱۳۲۳ با افتتاح مجلس ،سردبیر روزنامه مجلس شد .

مدتی در سمت قضائی در شهرهای مختلف بود .در سال ۱۳۳۵ مامور دادگستری یزد شد و در آنجا سکته ناقص نموده و به تهران آمد و در سال ۱۳۳٦ درسن ۵۷ سالگی وفات یافت . ادیب الممالک در قصیده سرائی و نقد و انتقاد ید طولانی داشته است . دیوان چاپ شده ی او پر از ظرایف و طنز و نقد و انتقاد می باشد .

نظامی عروضی سمرقندی

■ ادیب و دانشمند و مولف چهار مقاله عروضی نظامی عروضی سمرقندی از نویسندگان قرن ششم هجری می باشد . او مولف کتاب معروف چهار مقاله عروضی است . چهار مقاله اولین کتابی است که به سبکی نو و جالب در مورد شعر و ادبیات به تحریر در آمده است . نظامی عروضی در سالهای ۵۰٤ و ۵۰٦ ه بعد از تحصیلات ابتدائی عازم خراسان شد . خدمت عمر خیام و امیر معزی رسید .کتاب چهار مقاله معروف را نظامی به نام ابوالحسن حسام الدین فخر الدوله مسعود نمود . چهار مقاله که اسم اصلی آن مجمع النوادر است از متون مهم ادب فارسی است . این کتاب در بین سالهای ۵۵۱-۵۵۲ تالیف یافته است .

علت به نام کردن این کتاب این بود که نظامی عروضی ازملازمان ملوک بود . این ادیب محقق معاصر نظامی گنجوی بود . کتاب مجمع النوادر چندان که اشاره از مصنفات اوست درچهار مقاله از دبیر،شاعر، منجم و طبیب در چهار فصل با بیان مطالب محکم ومتقن درباره فن دبیری و صناعت شعری و علوم پزشکی و نجوم سخن رفته است .

در چهار مقاله عروضی از پیش گوئی عمر خیام که "گور من در موضعی باشد که هر بهاری باد شمال بر من گل افشانی می کرد " و اینکه نظامی به چشم این پیشگوئی را واقع شد دیده، گفتگو شده .این ادیب بزرگ و دانشمند از شاعری هم بهره داشته و ادبیات زیر از اوست :

آیا بدیع زمانه که در سخا و هنر
ترا نظیر ندانیم جز نیا و پدر
چو هفت و هشت حریفیم در یکی خانه
شناخته به خراسان به هفت هشت هنر
دبیر و شاعر ودرزی طبیب و دانشمند
ادیب و نحوی و قوال گازر آهنگر

حسین بن منصور حلاج
صوفی و دانشمند

■ ابومغیث عبدا... بن احمد بن ابی طاهر حسین بن منصور حلاج در سال ۲٤٤ ه - ق در قریه بیضای فارس به دنیا آمد و چون پدرش به شغل پنبه زنی اشتغال داشت ، از این جهت به حلاج معروف شد . دوران کودکیش را در شوشتر به سر برد . در ۱۲ سالگی قرآن را حفظ کرد . بعد از مدتی به بصره رفت و در مدرسه حسن بصری به تعلیم و تعلم پرداخت و به وسیله عثمان مکی خرقه تصوف پوشید . در ۲٦ سالگی به مکه معظمه مشرف شد . بعد از این سفر به اهواز رفت و به ارشاد مردم پرداخت .

با صوفیان تستری به مخالفت پرداخت و خرقه را بخاک انداخت و گفت : " این رسوم همه نشانه تعلق و عادت است."

بعد از چندی عازم خراسان شد و از آنجا به بغداد رفت و با چهارصد نفر مرید بطرف مکه رفت .

بعد از آن به هند و ماوراء النهر و کشمیر و چین مسافرت کرد و دوباره به بغداد برگشت و از آنجا برای آخرین بار به مکه رفت و در وقوف عرفات از خدا خواست که (خدایا رسوایم کن تا لعنتم کنند) وقتی که به بغداد آمد در جامع بغداد ندا در داد این مردم مرا بکشید تا آرام یابم و شما پاداش یابید .

حلاج در شورشی که بسال ۲۹٦ در بغداد رخ داد ، متهم به اغوا و الحاد گردید و باهواز گسیل شد و ۹ سال در زندان بود .

پس قاضی ابوعمر حمادی حکم وی را صادر کرد و در سال ۳۰۹ ه . ق او را مثله کرده و بدار آویخته و جسدش را سوزانده و به دجله انداختند .

قسمت دوم

جاسک؛ دروازه خلیج فارس و تحولات آن در عصر صفوی

نوشته و.و. تارن - ترجمه : همایون صنعتی زاده

● **تاسیس شرکت انگلیسی هند شرقی در جاسک**
کمپانی هند شرقی در اواخر سال ۱٦۰۰ میلادی به موجب فرمان ملکه الیزابت "شرکت تجار لندن " تاسیس کردند . این اقدام در پی شنیدن گزارش هایی در مورد ثروت هندوستان و همچنین سفرنامه یک سیاح انگلیسی بود که تفصیلات حیرت انگیزی از ثروت بی پایان مشرق نقل می کرد؛ لندن را به جنب و جوش انداخت . وقتی تجار انگلیسی به دربار امپراطور هندوستان آمدند .پارچه های ماهوتی که از کالاهای بسیار با ارزش تجار انگلیسی بود به سرعت به فروش رفت و بلافاصله مقادیر بسیار زیادی از همان پارچه ها ، توسط تجار انگلستان به سرعت وارد هندوستان شد ، اما به دلیل و فور کالا ، اجناس فوق خریداری نشد و متاع مزبور درانبار باقی ماند . "توماس آلدورث" که در آن موقع سمت ریاست تجارتخانه سورات داشت درصدد پیدا کردن بازارهای جدیدی افتاد تا سرانجام متوجه بازار ایران شد و عاقبت کمپانی هند شرقی فردی موسوم به "جان کراتر" به اصفهان فرستاد و به او دستور دادند که اطلاعات دقیق و جامعی از مایحتاج مردم ایران به دست آورند و فرمانی از شاه بگیرند که کالاهای کمپانی به هر بندری که نیاز بدانند ؛ ارسال شود و تجار بتواند آزادانه در آن مناطق رفت و آمد داشته باشند وکالاها را در آن جا به فروش برسانند و مأمورین آن بدون زحمت به تجارت مشغول شوند .

کروتر و استیل مأموریت داشتند که راجع به نقشه تجارت با ایران و طرز اجرای آن مطالعه های دقیقی به عمل آورند پس به بنادر خلیج فارس رفته و جستجو کردند که کدام یک از مناطق برای لنگر گاه مناسب تر هستند . آن ها پس از بازدید از بندر جاسک ، بندرعباس و بحرین بالاخره جاسک را که در نود مایلی شرق هرمز، واقع است برای مقصود خود انتخاب کردند و همانند بحرین مورد تهدید حمله های پرتغالی ها نیست . پس آن جا را برای لنگر گاه کشتی مناسب تر از سایر نقاط دانستند . شرکت هند شرقی ، نمایندگان خود را در سال ۱۰۲٤ قمری ، ۱٦۱۵ میلادی به اصفهان اعزام کرد و آنها در ملاقات با شاه عباس ، اولین قرار رسمی خود را به امضاء رساندند . در سال ۱٦۱٦ شاه عباس فرمان مخصوصی صادر نمود که به موجب آن به کلیه اتباع و در هر درجه و رتبه ای امر داد که تاجرها و مسافرهای انگلیسی را با اکرام پذیرایی کنند بلافاصله پس از صدور فرمان شاه ، مامورین کمپانی هند شرقی سرگرم این بحث شدند که آیا کمپانی می تواند از امتیازات تجاری فرمان مزبور استفاده کند و اگر می تواند ؛ استفاده کند راه و وسیله آن چیست ؟

تجار انگلیسی مقیم سورات مصمم بودند که در ایران تجارخانه هایی تاسیس کنند و از آن جایی که جنگ ایران و عثمانی روابط تجاری با اروپا را مسدود ساخته و ابریشم و پارچه در ایران کمیاب شده است پس به هر وسیله ای که شده بازاری برای فروش مال التجاره موجود در سورات پیدا کنند و در نهایت بندر جاسک محل مناسبی برای تجارت انتخاب کردند . بالاخره تجار سورات عقیده خود را در خصوص افتتاح روابط تجاری با ایران به کمپانی اطلاع دادند و کمپانی هم آن را تصویب کرد .

● **رونق تجاری و بازرگانی جاسک**
"ادوارد کونوک" که مدت ها در عثمان مشغول کسب و تجارت بود برای ماموریت جدید انتخاب گردید . درچهارم دسامبر سال ۱٦۱٦ میلادی گروه نخست تجارانگلیسی جهت تجارت ایران وارد جاسک شدند و در همان سال کشتی نخست انگلیسی ، موسوم به جیمز با مقدار زیادی مال التجاره از سورات به جاسک آمد تا باب تجارت وداد و ستد با ایران را باز نماید . پرتغالی ها سعی کردند که از مسافرت کشتی مذکور جلوگیری به عمل آورند ؛ اما موفق نشدند و انگلیس ها پس از ۲۷ روز مسافرت در دریا به مقصد رسیدند و کالاهای خود را به فروش رسانیدند . این مسافرت چون ابتدای عملیات تجاری ودریایی انگلیسی ها در خلیج فارس به شمار می رفت از لحاظ تاریخی بسیار حائز اهمیت است . برای تحصیل اجازه تاسیس دفتر بازرگانی هند شرقی نخست ادواد کونوک نماینده برجسته و ممتاز شرکت در سال ۱٦۱۷ میلادی دراصفهان به حضور شاه عباس رسید و بعد از مذاکرات مفصل موافقت شاه را با تاسیس دفتر شرکت در دو نقطه ایران (اصفهان) و (جاسک) به دست آورد.

به موجب آن به انگلستان اجازه گشودن یک دفتر حق العمل کاری بازرگانی در جاسک با عوارض گمرکی به میزان ٦ شیلینگ از هر لیور بار داده شد . و نامبرده در دیدار با شاه عباس موافقت شاه برای حمل ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ عدل ابریشم هم بدون عوارض گمرکی از بندر جاسک به دست آورد . نزدیکی روابط ایران و انگلیس موجب رشد و ترقی بندرجاسک شد و به شدت مورد توجه دولت صفوی قرار گرفت . به دنبال این امر ، شرکت در سال ۱٦۱۷ تجارتخانه ای در شیراز و بعداً در اصفهان دایر کرد و سرانجام در سال ۱٦۱۷ شاه عباس انحصار صدور ابریشم ایران را به شرکت واگذار کرد .

در سال ۱٦۱۹ میلادی برابر با ۹۹۸ ه ش خورشیدی دفتر شرکت در جاسک تاسیس و آغاز به کار کرد که نمایندگی نخست بریتانیا در خلیج فارس به حساب می آید پس از استقرار شرکت هند شرقی در جاسک ، "ادوارد کونوک " به آن جا سفر کرد و بندر جاسک را برای صید و صیادی مهمترین محل در اقیانوس دانست .در اوایل سال ۱٦۲۰ میلادی شرکت هند شرقی پنج کشتی حامل انواع کالاهای انگلیسی و هلندی همراه با هدایایی برای شاه به بندرجاسک فرستاد پس از تخلیه محموله ها ، ابریشم هایی را که بر اساس قرار داد با شاه عباس خریداری کرده بودند حمل کنند . از جمله این هدایا ، کالسکه زیبایی بود که با شش اسب کشیده می شد . درون و بیرون این کالسکه و جایگاه راننده آن زین و لگام اسب ها همه پارچه های زربفت و قطعه های طلا آراسته بود .

● **نبرد جاسک**
در اواخر سال ۱٦۲۰ درگیری پرتغالی های با انگلیس ها در خلیج فارس آغاز شد . این درگیری هنگامی شروع شد که پرتغالی ها راه را بر دو کشتی انگلیسی که به سوی جاسک در حرکت بودند بستند و دو کشتی مذکور را ناگزیر ساختند تا به بندرسورات بازگردند و دو کشتی دیگر را به کمک خود فرا خوانند . چهار کشتی بسوی ناوگان پرتغالی ها تیر اندازی کرده و ناوگان مذکور را وادار ساختند که به طرف جزیره هرمز عقب نشینی کند . ناوگان پرتغالی ها بعد از بازگشت به هرمز و بازسازی مجدد بسوی صح نه کارزار (که آبهای نزدیک بندرجاسک بود) بازگشت .

اما این بازسازی تاثیر چندانی در تقویت ناوگان نداشت تا آن جا که انگلیسی ها در ۲۸ دسامبر ۱٦۲۰ در جنگی که بعدها به نام جنگ جاسک معروف شد و در حقیقت جنگ سوم پیروزمندانه کشتی های انگلیسی در دریای شرق بوده است که پرتغالی ها را شکست داد . "سرپرسی سایکس " - مولف کتاب تاریخ ایران- از آن جا بنام "نبرد جاسک" نام برده است و می نویسد که در آن جنگ کاپیتان "شلینگ"- فرمانده شجاع "ناوگان" - کشته شد و جاسک به خاک سپرده شد .

سایکس در ادامه می نویسد :من هر بار که در جاسک پیاده شده ام فکر کرده ام که آیا می شود درجاسک یک یادگاری از پیروزی کاپیتان مذکور بر پا کرد که نشانه ای از دلاوری های گذشتگان ما و توفیق و تهییج بازماندگان آنها شود "بازرگانان انگلیسی بعد از آن پیروزی ،به تجارت خود مشغول شدند و ۵۲۰ عدل ابریشم بار کرده و به "سورات" بازگشتند .

● **رکود فعالیت های تجاری و بازرگانی جاسک**
بعد از شکست پرتغالی ها موقعیت انگلیس در منطقه مستحکم شد . این حوادث در نهایت موجب درگیری مستقیم ایران و پرتغال در جزیره هرمز و آزادسازی آن در سال ۱۰۳۱ قمری ۱٦۲۲ میلادی شد . بندر جاسک طی این دوره به عنوان مقر دفتر تجاری انگلیس و پایگاه اعزام نیروهای دریایی و محل امنی برای تبادل های اقتصادی از اهمیت بسیاری برخوردار شد . امیرهای جاسک نیز با اتخاذ سیاسی واقع بینانه در دفاع از مرزهای ایران درکنار نیروهای دولت صفوی قرار گرفته و در نبرد هرمز شرکت موثری داشتند .

اگر چه سقوط هرمز در کوتاه مدت موجب رونق اقتصادی بندرجاسک شد . اما گسترش ناامنی در مناطق پس کرانه این بندر و چند دستگی قدرت در منطقه وضعیت نامناسبی را برای تداوم آبادانی جاسک بوجود آورد .

بندر جاسک همچنان در خدمت بازرگانی انگلیسی بود تا اینکه انگلیسی ها ، از آن به سوی گامبرون (بندرعباس) منتقل شدند . بندر گامبرون در حقیقت توسط شاه در اختیار انگلیسی قرار گرفته بود زیرا انگلیسی ها هنگام ستیز شاه با پرتغالی ها بر سر هرمز از شاه جانبداری کردند.

موسسه خدمات مالی و حسابرسی سیستم حساب خلیج فارس
شماره ثبت ۴۶۴ زبردست ۰۹۱۷۳۶۷۴۷۸۹
۱. انجام خدمات حسابداری
۲. مشاوره مالیاتی و بیمه ای
۳. تحریر دفاتر قانونی
۴. تهیه صورتهای مالی
۵. طراحی سیستم کنترل داخلی
۶. بازرس قانونی

خیاط کلاسیک
طراحی و دوخت شیک ترین البسه مردانه
عرضه پوشاک مردانه فنی و اداری
کت شلوار پیراهن
فلکه برق پاساژ امام رضا (ع) تلفن : ۰۷۶۱۲۲۳۱۳۱۵
جنب دبیرستان دخترانه زینب کبری ۰۹۳۶۴۹۶۷۳۴۳

موبایل برتر
LG
Apple Iphone
بازار سیتی سنتر طبقه همکف جنب آسانسور شیشه ای پلاک ۱۲۵ تلفن : ۰۹۱۷۷۶۳۸۱۹۷ - ۲۲۳۶۴۷۲